



چرا از

این منبع نیروی عظیم

بهره‌برداری نمی‌شود؟!؟

حوادث در ماه گذشته!

* از روزی که ماه رمضان آغاز شد بطور محسوسی از میزان حوادث کم شد و مراجعات بکلانتریها کاهش یافت .

* تعداد پرونده‌هائی که در نخستین روز ماه مبارک (روز جمعه) در کلانتریها و پاسگاههای ژاندارمری تهران تشکیل شد «یک چهارم»! پرونده‌هائی بود که روز جمعه هفته قبل تشکیل شده بود .

* یکی از افسران پلیس که سالها رئیس کلانتری میباشد اظهار داشت: در ماه رمضان روزها اغلب کلانتریهای تهران خلوت است .

وی اضافه کرد: چاقو کشی ، تظاهرات مستانه ، و فزاعهای چندتقری اصولا در ماه رمضان نادر است و اختلافات زناشویی نیز کم است ، و اگر هم باشد پس از افطار شروع می‌شود .

* کلانتریها در این ماه فرصت خوبی دارند تا به کشف مراکز استعمال و معامله مواد مخدره بپردازند .

* عده مجروحین نیز کاهش کلی میباشد

دجرانکده

یا بدیده تردید و شك بآن می نگرند ؛ مسلماً يك سندی زنده و غیر قابل انکار است .
این خبر پاسخ دندان شکنی برای آن کسانی است که سعی دارند با تبلیغات مسموم خود از ارزش تعلیمات مذهبی بکاهند و آنرا بصورت يك سلسله تشریفات و آداب و سنن قدیمی جلوه دهند .

طبق اعتراف صریح مأمورین انتظامی راجع بوضع حوادث در ماه گذشته (ماه مبارک رمضان) تنها اجرای يك دستور مذهبی ۷۵ درصد ! از میزان جنایات ، تظاهرات مستانه ؛ نزاعهای خونین چند نفری و چاقو کشی و شرارت کاسته است .

۷۵ درصد رقم کوچکی نیست ، بسیار میشود که موفقیت يك سلسله فعالیتهای پی گیر و مداوم اجتماعی فقط چند درصد است و در عین حال با اهمیت تلقی می شود .

فکر کنید این چه منبع نیروی عظیمی است که قادر است در کوتاهترین مدت درخشا ترین نتیجه را بیار آورد و یک مرتبه رقم حوادث و جنایات و شرارتها و نزاعها را به ۲۵ درصد تقلیل دهد . آیا این منبع عظیم نیروی معنوی از هر نظر قابل مطالعه نیست ؟

از اصل تاثیر این عامل بزرگ معنوی مهمتر ، سرعت تاثیر و نفوذ آنست ، بطوریکه در همان روز اول ماه یعنی نخستین روز اجرای این دستور مذهبی فوراً و بدون هیچگونه فاصله اثر قطعی و خارق العاده آن آشکار گردیده .

مسلماً این کار از عهده تعلیمات فرهنگی ؛ نیروهای مجهز انتظامی هر چند هم فعالیتشان دامن دار باشد بیرون است .

اشتباه نشود این اثر منحصر بپروژه ماه مبارک رمضان نیست ، این يك خاصیت عمومی برای عموم دستورهای مذهبی ماست .

در کنگره بزرگ اسلامی که همه ساله در ایام حج در مکه تشکیل می شود جمعیتی در حدود يك هیلیون نفر شرکت میکنند که در همه چیز - جز در انسانیت و ایمان بمبانی اسلام - اختلاف دارند . تصدیق میکنند يك جمعیت يك ملیون نفری آنهم در شهر کوچکی مانند مکه قاعدتاً باید مشکل بزرگی از نظر امنیت و حفظ نظم و جلوگیری از نزاع و مشاجره ایجاد کند ؛ زیرا در اجتماعات خیلی کوچکتر از این برای حفظ نظم تجهیزات قابل توجهی لازم است .

در حالیکه کسانی که بزیارت خانه خدا رفته اند دیده اند که برای حفظ نظم و امنیت در آن اجتماع عظیم تعداد خیلی کمی از مأمورین انتظامی لازم است ، تازه آن عده از مأمورین و افراد پلیس که در مکه رفت و آمد دارند بیشتر برای راهنمایی و مسائل نقلیه و کنترل نظم از

جهت عبور و مرور و حل مشکل مسکن و کمبود وسائل نقلیه برای رفت و آمد بعرفات و منی (که آنها هم مالی ترین وجهی حل شده) میباشد .

میزان نزاع و دعوا ؛ دزدی و جیب بری و انواع تجاوزها در میان این جمعیت يك ميليون نفری بسیار بسیار کم است . این يك حقیقت محسوس و قابل آزمایش است ؛ اغراق و مبالغه نیست ! .

زائرین خانه خدا مطابق دستورهای مذهبی حق ندارند نزاع و جار و جنجالی بر پا کنند و در صورت ارتکاب در پاره ای از موارد مجازاتهای قابل توجه مالی برای آنها تعیین شده .

از طرف دیگر هجوم يك چنین جمعیت عظیمی بسوی يك نقطه خواه ناخواه باید يك سلسله آثار خرابی در مزارع و درختان و مانند آن بیادگار بگذارد ؛ باز ملاحظه میکنیم نقشه این مراسم مذهبی بقدری دقیق تنظیم شده که هیچیک از این ناراحتیها را بدنبال نمیاورد . هیچيك از زائرین خانه خدا حق ندارد گیاهان و درختان مکه را قطع نماید یا حیوانات و پرندگان بیابان آنجا را صید کند (بشرحی که در کتب فقهی ذکر شده است) .

در اجتماعات مذهبی دیگر ، درسوگواریها و جشنها ، جمعیتهای فوق العاده عظیمی تشکیل می شود که حفظ نظم آنها بسیار آسان است و میزان نزاع و تصادم افراد در این اجتماعات نسبت با اجتماعات مشابه آن بسیار کم است .

این موضوع از هر نظر حساب کنیم جداً قابل مطالعه است ، از نظر اخلاقی ، از نظر حفظ امنیت اجتماع ؛ از نظر سبک کردن کار سازمانهای انتظامی ، از نظر کم کردن کار دستگاههای قضائی ، از نظر تقلیل بودجه ها و هزینه هائی که باید بمصرف ترمیم خرابیها ؛ و بهبود مجروحین برسد .

زیرا همانطور که ملاحظه کردید سازمانهای انتظامی صریحاً اعتراف نموده اند که تنها با اجراء يك دستور مذهبی میتوانند نفس راحتی بکشند و بجای اینکه وقتشان صرف حفظ نظم و جلوگیری از منازعات گردد ، کارهای عقب مانده سال را انجام دهند !

از طرفی حجم پرونده هائی که تراکم آنها باعث کندی کار دادگستری و موجب نارضایتی و بدبینی مردم میشود بسرعت کاهش پیدا میکند ، کاهش حجم این پرونده ها تأثیر فوق العاده ای در سرعت کار دستگاههای قضائی دارد .

و با تقلیل مجروحین مبلغ قابل توجهی از هزینه بهداری صرفه جوئی می شود ، گذشته از خسارات فراوان دیگری که بر اثر نزاع و کشمکش دامنگیر خود مردم میگردد .

منبع این نیروی عظیم کجاست ؟

این حقایق غیر قابل انکار حکایت از این میکند که در دل اجتماع مایک نیروی معنوی عظیم نهفته است که میتواند نقش بزرگی در بهبود وضع اجتماعی ماداشته باشد ، و بکمک آن میتوان باسانی قسمت قابل توجهی از دردهای اجتماعی امروز را درمان نمود .

قدرت نفوذ این نیروی عظیم بسیار زیاد ، در عین حال مخارج آن بسیار کم ؛ و تأثیر آن سریع و عمیق است .

این نهایت بی انصافی و ظلم بر خود و دیگران است که مانع این عامل بزرگ معنوی را که از ایمان بمبانی دینی سرچشمه می گردناده بگیریم و از آن بفرح سعادت و سر بلندی اجتماع بهره برداری نکنیم .

دیگران از طرحهای پرخرج و کم اثر برای کنترل اجتماعات و برقراری نظم و پیشگیری از حوادث بهره برداری می کنند اما معلوم نیست ما چرا از این منبع سرشار نیرو که استفاده از آن بسیار ساده و کم خرج است بهره برداری نمیکنیم ؟

چرا با تقویت مبانی اخلاقی و مذهبی که بسیار آسان است با سنگین دستکاههای انتظامی و قضائی و سایر سازمانهایی که در عکس العمل حوادث نامطلوب اجتماعی سهمی دارند سبک نمیکنیم آیا کارگردانهای اجتماع ما هنوز از وجود چنین نیروی عظیمی بیخبرند ؟ و آیا از شعاع نیرومند ایمان بخدا و مبانی مذهبی مطلع نیستند ؟

آیا دستهای دیگری در کار است که نمیخواهد کشور ما در امن و امان و راحتی و خوشبختی باشد آیا ارزان بودن این وسیله مؤثر از اهمیت آن در نظرها کاسته ؛ و باید مطابق مثل معروف «حکمت» را در طرحهایی جستجو کنیم که گرانتر و پرخرج تر است ؟

بی اعتنائی نسبت بچنین موضوع حیاتی روی هر حسابی باشد مسلماً اشتباه است اشتباه ! .

چه خوب بود برای هزارمین بار لا اقل این امر را آزمایش میکردیم و از دستاها و دبیرستانها شروع نموده و اطفال و جوانان را با عقیده راسخ بمبانی مذهبی پرورش میدادیم و این کار را بسایر قسمتهای اجتماع نیز توسعه میدادیم و نتیجه و حصول آنرا پس از مدت کوتاهی بررسی میکردیم ؛ اگر راستی همانطور که بارها تجربه نشان داده وسیله مؤثری برای بهبودی وضع اجتماعی ماست آنرا بمنوان یک اصل اساسی در زندگی بپذیریم و اجتماع خود را روی این پایه توجه بمبانی دینی بنیان کنیم .